

با برحمتکشان ایران که با مبارزات نیرومند خود، رژیم استبدادی را که سالهاست بدانها تحمیل شده، بلرزه درآورده اند،

دروود می فرستیم و از آنها پشتیبانی میکنیم. از گزارش مصوب نهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی کارگران

شماره دوپست و چهارم

پانزدهم اردیبهشت ۱۳۵۷

ششم

زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

شاه خشمگین و سراسیمه از گسترش مبارزات ضد دیکتاتوری، عسکری خود را بجای مردم انداخته است. یورشهای مکرر و متعدد رژیم بصورت تظاهرات مسالمت آمیز مردم، زندانها را بیش از پیش انباشته است. از حادثه دانشگاه صنعتی آریا مهر که منجر به بازداشت بسیاری از دانشجویان و استادان و شرکت کنندگان شد، تا واقعه باغ گلزار در کرج، حادثه خونبار قم، تظاهرات تهران و تعطیل بازار، تظاهرات بی سابقه همگانی در تبریز و قتل عام مردم، تظاهرات اعتراضی در چهل و چند شهر کشور بملامت

کارگران جهان متحد شوید!

مردم

از دلان مرکزی حزب توده ایران

تهر آمیز رژیم شاه، بخون نشست و هزاران زندانی داد. مسخره است رژیمی که سالوساه مردم را به گفت و شنود، دعوت میکند، خود نمایش اعتراض آمیز مردم، بخش اعلامیه، ایراد سخنرانی و تعطیل محل کسب و کار را با گلوله آتش را پاسخ میدهد. دنباله در صفحه ۲

ایراز خشم نسبت به کشتار تبریز و رویدادهای مختلف پس از آن تا امروز، هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم بوسیله مأموران رژیم پوی و درنده خوی ساواک بازداشت و به زندان افتاده اند، که از سرانوشته آنها اطلاعی در دست نیست. تظاهرات مردم که در همه جا بشکل مسالمت آمیز آغاز شد، در اثر مقابله خشونت بار و

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دروود شور انگیز به دلاورانی که در بند دژ خیم نشسته اند!

به خسرو روزبه

ای یل یاک سرشت
دشمن زور و ستم
ایکه در علم و عمل خسرو خوبان بودی!
مرگ تو، مرگ نبود
واژه مردن، صرف
درخور گوهر والای تو نیست
تو بقلب من و او
چون دل فرخه که تا بد به روانش خورشید
بارها زنده شدی
همچو بدی، که به گردن چو ستاره
بدرخشند شهیدان دگر!
حال برخیز و بین
این همه مرد خرم
قد مردانه علم
بازوان سخت و فشرده ز نبرد
هر یکی پیل دمان اندر رزم
این همه سیزه که در دشت و دمن می بینی
همه از خون تو روئیده شده
کینه های پنهان
حال امواج خروشان گشته
گاه در قم
گاهی اهواز
و گاهی در تبریز...



بیست سال از شهادت یکی از جنبانان ارجمند ه های زحمتکش - رفیق خسرو روزبه، عضو مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی کشور نبرد. کمیته مرکزی حزب توده ایران دیری که این روز را نه تنها روز بزرگداشت از این لند آوازه جنبش انقلابی ایران، بلکه روز یاد ز همه زندانیان سیاسی کشور ما اعلام داشته جهانیان میدانند که در زندانهای متعدد رژیم بی محمد رضا شاه، صدها و صدها تن کارگر، روشنفکر، روحانی، نظامی، زنت و مرد گنشت از سرهمه چیز، بادیو اسبده در افتاده اند، دراز نشسته اند. رژیم برای بزانو در آوردن سر زین مبارزات زندانی، از تجدید شکنجه های نه و پراه انداختن مجدد، دادگاه و توسل اع فشارهای مادی و معنوی، ابائی ندارد. ولی تم تلاهایی شوم میرغضبان ساواک، دلیرانی شکست جوها و تیزبانی ها از جان چشم پوشیدند، ولی ان دست نکشیدند؛ کسان بسیاری در پس ای سیاه زندان، موی را سفید ساخته اند ولی کوه الوند در برابر آن مستبد که بر تخت نشسته، ایستاده اند و با عظمت روح خود تمام وی را بر ملا ساخته اند. در میان زندانیان، زندانیان توده ای بارها تضایل شگرف معنوی را در پیچ و خم حوادث دشوار نشان داده اند، نمینان میتوان گفت که تاریخ زندانهای سیاسی از این نوع نمونه های درخشان فراوان ندارد. بران در بند مایه سربلندی نه تنها حزبی و جنبشی تمام کشور هستند.

نماینده گان ۲۳۰ میلیون کارگر جهان
از مبارزه حق طلبانه مردم ایران پشتیبانی میکنند
کنگره نهم فدراسیون سندیکائی جهانی با کامیابی
کار خود را پایان داد و طی قطعنامه ای
رژیم ترور و اختناق را در ایران محکوم کرد.

روز شانزدهم ماه آوریل ۱۹۷۸ نهمین کنگره عظیم فدراسیون سندیکائی جهانی در تالار بزرگ پارک فوجیک، در پراگ با حضور ۹۹۶ نماینده، ناظر و مهمان از تمام قاره ها با حضور رفیق (هوساک) دبیر کل حزب کمونیست و رئیس جمهور جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی و شخصیت های برجسته این کشور گشایش یافت. ۳۰۳ سازمان سندیکائی از جمله سازمانهای بین المللی و منطقه ای از ۱۲۶ کشور بنماینده ای از ۲۲۰ میلیون کارگر سندیکائی تمام جهان در این کنگره شرکت داشتند. ۴۰ نماینده از سازمانهای غیر دولتی بین المللی و غیر سندیکائی در این کنگره بعنوان مهمان حضور یافتند. دو نماینده از سازمان ملل متحد، دو نماینده از دفتر بین المللی کار، از هر سازمان وابسته سازمان ملل متحد یک نفر و سه نفر از رهبران دفتر کار کشورهای عرب، نمایندگان سازمان آزادبیش فلسطین، سازمان مبارزه علیه منع دنباله در صفحه ۲

گفت: «تنش جهانی در مقیاس جهانی کماکان یکی از اهداف عمده سیاست خارجی ترکیه است». باین حال امریکا و انگلستان که لیدرهای واقعی ستو هستند در تلاشند تا فعالیت نظامی این پیمان را تشدید کنند. باین فعالیت راباعالیبت پیمان اتلانٹیک پیوند دهند و از طریق این اجلاس لندن برای حملات ضد شوروی و ضد کمونیستی استفاده نمایند. موافق اعلامیه فرانس پرس نماینده ایران در هماهنگی با هیئت ملی نمایندگی غرب بسود بازگشت پیمان ستو، هدف های اولیه، سخن گفت. صحبت بر سر آنست که به این پیمان چنان تازه ای دمیده شود و بمقایه افراز سر کوب جنبش جهانی بخش ملی و فعال تر کردن تدارکات جنگی در منطقه ای که بمرزهای اتحاد شوروی مستقیماً مربوط است، از آن

روزنامه پراوا تحت عنوان «میخواهند به ستوجان تازه ای بدمند» تفسیر خبر گزارشی شوروی را از لندن در شماره ۲۰ آوریل ۱۹۷۸ خود معکس کرده است. در این تفسیر گفته میشود که در شهر لندن اجلاس نوبتی ستو که در آن انگلستان، ایران، پاکستان، ترکیه و ایالات متحده امریکا شرکت دارند تشکیل شد. پس از تشریح مسائلی که اجلاس ستو در برابر خود نهاده است، پراوا می نویسد: «اکنون نماینده ترکیه در اجلاس ستو ضمن سخنرانی خود

ما بیان رقبا و همه زندانیان سیاسی خطاب میگوئیم: ایران ارجمند! قلوب سرشار از مهر ایران پیوسته باشماست. شمارد خاطره همه کسانی که نذر رهائی ایران از بند دوگانگی استبداد و مارند، پیوسته حاضرید. شما با قداکاری و ایثار، بهمه رژیمت گان نمونه میدید. در بیکار مقدس ایران، که اکنون گسترش بی سابقه یافته، کماکان در سنگر نبرد حاضرید؛ زیرا دیوارهای سیمه ای خردار و سر نیزه ها قادر نیست بر سر شما و جنبش خلق حائل پدید آورد. ن عزیز! زندان را علی رغم بانیان آن، به دبستان پرورش خود و اراده انقلابی، به گستره تحکیم نکی صفوف همه مبارزان ضد رژیم استبدادی مبدل و امیدو خاموشی ناپذیر را در کانون دلخیزی پر خویش شعله ور نگاه دارید! بگفته ارای: زندگی ت. وظیفه همه هموطنان شیفته آزادی و استقلال د مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، دفاع از یاری یگانواد ه های مبارزان در بند است. در این نا دارد که همه نیروها متحداً عمل کنند زیرا این ایست همگانی و انصراف ناپذیر.

بدت عمل و مبارزه همه نیروها
مناصر مخالف استبداد، شرط
لی بر انداختن رژیم دیکتاتوری
محمد رضا شاه است!

«عصر جدید» در باره حوادث اخیر ایران

در هفته نامه سیاسی نووبه ورمیا (عصر جدید) چاپ اتحاد شوروی (شماره ۱۵ آوریل ۱۹۷۸) گزارشی زیر عنوان «تظاهرات در ایران» انتشار یافت. در گزارش گفته میشود: موج تظاهرات ضد دولتی در ایران را به اعتلاست ۲۶ تا ۲۸ ماه مارس در تعدادی از شهرهای نواحی شمالی، جنوبی و مرکزی ایران تظاهراتی انجام گرفت. در خیابانهای بابل، قزوین، کاشان و نیز تهران تظاهرات و نمایشهای روی داد که شرکت کنندگان در آنها ناراضگی خود را از وضع موجود در کشور ابراز داشتند.

۲۹ و ۳۰ مارس در شهرهای زاهدان، یزد، اصفهان، مشهد، دزفول، خرم آباد، زنجان و نیز کاشان و قزوین مردم دست به تظاهراتی زدند.

طبق اخبار خبرگزاری رسمی پارس در شهرهایی که تظاهرات انجام گرفت، موارد حمله به شعب بانکها، ادارات دولتی و مراکز حزب رستاخیز مشاهده شده است.

محافل حاکمه مانند گذشته برای سرکوب تظاهرات به اسلحه متوسل شدند که در نتیجه تعدادی از تظاهر کنندگان کشته و زخمی شدهاند.

در جریان حمله واحدهای پلیس به شرکت کنندگان در تظاهرات در یزد دو نفر کشته و هفت نفر زخمی شدند و در قزوین نیز یک نفر کشته شد. تعداد زیادی از شرکت کنندگان در تظاهرات بازداشت شدهاند.

محافل تبلیغاتی رسمی کشور تلاش دارند این تظاهرات را شورش و بلبا که از جانب «اشوکبران و دسیسه بازان از خارج تحریک شده و انمود سازند اما مشکل کسی باور کنند که هیجانها و تظاهراتی که تقریباً سراسر کشور را فرا گرفته بتواند توسط عدلیه در خارج از کشور سازمان داده شود. بنظر میرسد که واقعیت عبارت از یک جنبش وسیع اعتراضی است.

کنگره نهم فدراسیون سندیکائی جهانی ...

اعلامیه انجمن جهانی حقوقدانان دموکرات

انجمن جهانی حقوقدانان دموکرات در تبال تشدید جدید تضييقات در ایران وضع فوق العاده نگرانی آور زندانیان سیاسی که در زندانهای اوین و قصر دست به اعتصاب گرسنگی زدند یا رها بقامات دولتی ایران و همچنین دبیر کل سازمان ملل متحد و رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ تلگرافهایی فرستاده است و طی این تلگرافها توجه آنها را به خطر فرق العاده ای که جان زندانیان سیاسی را تهدید میکند جلب کرده است.

برو کسل ۶-۷-۱۹۷۸

هر سه نفر در يك اطلاعیه میگویند، این گزارش که مورد تأیید کنگره قرار گرفت، شامل فعالیت فدراسیون سندیکائی در فاصله دو کنگره و پیشنهادهایی برای بهبود کار آن در آینده بود که فشرده آنها بصورت دو طرح به کنگره تقدیم گردید. یکی طرح مربوط به تضمین و فعالیت فدراسیون در تمام زمینه ها در آینده و دیگری طرح جامع بنام اعلامیه حقوق سندیکائی است. این دو طرح در دو کمیسیون مورد بحث و تدقیق قرار گرفت و با اصلاحات شخصری از طرف کنگره تصویب گردید. اعلامیه حقوق سندیکائی برنامه عمل برای تمام کارگران و زحمتکشان جهان و رانمای جامعی برای تمام سندیکاهاست. (ما این اعلامیه را جدا گانه منتشر خواهیم کرد).

کنگره هفت روز تمام فعالیتها به بحث و تبادل نظر پرداخت. بیش از ۱۲۰ نفر بر آمد کردند و در پایان دو فرا خوان خطاب به کارگران و زحمتکشان جهان و ۲۵ قطعنامه تصویب کرد که یکی از آنها در باره ایران و شرح زیرین است:

«نهمین کنگره سندیکائی جهانی که از تاریخ ۱۶ تا ۲۲ آوریل ۱۹۷۸ با شرکت ۹۹۶ نماینده سازمانهای سندیکائی بین المللی، منطقه ای و ملی در پراگ تشکیل گردید، بانگرانی بسیار آگاه شد که فشار و تضييقات در ایران روز افزون است و تشدید میشود در عین حال مبارزه حق طلبانه اقتصار گوناگون جامعه بیش از پیش برای آزادیهای دموکراتیک گسترش می یابد. اکنون هزاران نفر در زندانها دچار شکنجههای وحشیانه هستند؛ تنها باین دلیل که خواستار ابتدائی ترین حقوق انسانی خود و مخالف دشوار شدن دائمی شرایط زندگی توده های زحمتکش هستند.

تنها بعنوان نمونه در ماههای اخیر در تهران پایتخت، قم و تبریز دومین شهر کشور، توده مردم بیایستند و تظاهرات آنها بوسیله ساواک پلیس شوم سیاسی رژیم به حمایهائی از خون تبدیل شد. در تبریز هنگامیکه پلیس یکدوازده زده شد، حکومت ارتش را که از طرف هلیکوپترهای نظامی پشتیبانی میشد فراخواند، و جمعیت را به مسلسل بست و صدها نفر از مردم بیگناه را تیراند کرد. نهمین کنگره سندیکائی جهانی درحالیکه از مبارزه حق طلبانه مردم و زحمتکشان ایران مصممانه پشتیبانی میکند، پیام پرطنین خود را بزحمتکشان و سندیکاهای جهان میفرستد و از آنها میطلبد که:

۱- اعتراض خود را باشکال ممکن علیه فشار و تضييقات وحشیانه ای که قربانی آنها بر ایران و خواهران ایرانی آنها هستند، ابراز کنند.

۲- از مطالبات حق مردم ایران که هدف آنها پایان دادن رژیم ترور و اختناق، غارتگری و استثمار بیرحمانه است، پشتیبانی نمایند.

۳- بسازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آن بویژه به کمیسیون حقوق بشر برای محکوم کردن جنایاتی که در ایران مرتکب میشوند، مراجعه نمایند و بخواهند که حقوق و آزادیهای دموکراتیک در ایران برقرار شود.

پراگ - ۲۲ آوریل ۱۹۷۸

باین ترتیب نهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی که نماینده صد ها میلیون کارگر و زحمتکش جهان بود با کامیابی بکار خود پایان داد.

واقعیاتی که دیلی اکسپرس افشاء میکند

روزنامه انگلیسی «دیلی اکسپرس» در شماره ۲۸ مارس ۱۹۷۸ خود تحت عنوان «آیا شاه میتواند باقی بماند» مقاله ای بقلم خبرنگار خود «متمم واشنگتن» بنام «راس مارک» منتشر کرده است که حاوی برخی واقعیات جالب است:

(۱) این روزنامه خبر میدهد که پس از تیر اندازی به اشرف در نیس «شاه شاهان» نمیخواهد به پناهگاه دور افتاده خود در سوئیس (سوئیس) برود و در نواحی تجلی «اسپن کلرادو» آمریکا با دست سوم در کار ساختمان یک اقامتگاه کاخ مانند است که جانشین ویلای سن موریتس خواهد شد.

این روزنامه میگوید که در ناحیه «راکی مونتین» آمریکا که دارای قتل پر برف است شاه مسلکی خریداری کرده و کارکنان پلیس سری آمریکا میگویند، شاه میخواهد در صورتیکه کودتایی او را از تخت طاووس سرنگون کند، باین گوشه پناهبرد.

(۲) دیلی اکسپرس عیناً چنین میگوید «شاه شاهان» ۲۵ سال پیش بیکم کودتایی که اداره مرکزی جاسوسی آمریکا (سیا) آنرا سازمان داده بود بر تخت نشاند شد.

(۳) این روزنامه میگوید که غرب به بقاء شاه علاقمند است و بر آنست که سقوط او میتواند «تلاش نبروهنا را در خاور میانه بسختی متزلزل کند» زیرا اسرائیل، عمده ترین تحویل دهنده نفت خود را از دست خواهد داد.

(۴) این روزنامه میگوید که ارتش ایران، یکی از بزرگترین ارشدهای موجود جهان است و نیروی هوایی ایران از جهت تجهیزات ملرو امریکائی خود جای سوم را در جهان احراز میکند.

(۵) دیلی اکسپرس میگوید: «تعلقات دولتی» تهران قبول دارند که شاه قدرت خود را فقط از طریق ارتش و فشار و تضييقاتی که بوسیله پلیس ساواک این مایه وحشت عمومی اعمال میکند، حفظ مینماید.

(۶) دیلی اکسپرس میگوید: دیپلماتهای غربی حس میزنند که تعداد کشتگان (در تبریز) به هزارها بالغ است.

(۷) «شاه اکنون همراه یک واحد بزرگ نگهبانان دارای جامه چرمی سیاه که بوسیله اسرائیلی ها پرورش یافته اند حرکت میکند.

(۸) دیلی اکسپرس میگوید: «حس زده میشود که از هر ۲۵۰ ایرانی یک نفر عامل مخفی ساواک است.

زندانیان سیاسی باید...

گسترش مبارزات مردم و رسوائی بیش از پیش رژیم مطلقه در افکار عمومی جهان شاه را از چندی پیش مجبور به برخی اقدامات بی محوری نمود، تا بتواند پوست «شاه دموکرات» بر تن کشد و ادعای وجود دموکراسی کند. از جمله این اقدامات آزادی عدالتی از زندانیان بود که با بوق و کرنا اعلام شد. ولی سرانجام کوره تبلیغات پر هیاهو موش زائید و مردم دیدند که اکثریت مطلق آزاد شدگان از میان مجرمان عادی دادگاههای نظامی و دادگستری یعنی زندان چاقو کشان و تبهکاران حرفه ای انتخاب شدند. آن عدّه قلیل از زندانیان سیاسی هم که آزاد شدند، باین دلیل زندانی شده بودند و یا اکثری در اثر «اپراز ندامت» از زندان رهائی یافتند.

رژیم دزد و مزد پرور شاه تحت عنوان دهان پر کن آزادی زندانیان سیاسی، از زندان تهرانی چون سرلشکر نسیمی راد و سرلشکر رمزی عطایی فرمانده پیشین نیروی دریائی که بجرم حرف و میل صد ها میلیون تومان زندانی بودند، «سهم خلیفه» میگردد و آنها را آزاد میکند، اما تهرمانت مردم مانند صفر قهرمانی زندانی ۳۱ ساله و افسران عضو حزب توده ایران، زندانیان ۴۴ ساله را در بدترین شرایط در زندان نگاه میدارد و در زندانهای مخفف کشور بخش میکند. در حالی آهتین زندان را بروی چاقوکشان و آدمکشان حرفه ای میگشاید، تا بیاس این «مرحمت ملوکانه» بجان مردم آزادخواه بقیقتد اما صد ها زندانی سیاسی را که حتی دوران محکومیت غیر قانونی آنها هم بسر رسیده، در پشت میلهها نگاه میدارد، آنها را از تو شکنجه میدهد، آنها را از دو محاکمه میکند، آنها را از نو محکوم میسازد. رژیم جنایتکار شاه که وسعت مبارزات خلق سرمایه شاهی کرده است، با کشتارهای جدید، با بگیر و ببندهای جدید و تضييقات جدید از مردم انتقام میگیرد. حد شقاوت و سختگیری در مورد زندانیان سیاسی اخیراً

اوین

اینجا زندان است؟
خبر! شهرک چراغان است.
یک! دو! سه!
اینجا زندان است؟
زندان اصلا در ملک مانیتست
پس این زندانی کیست؟
زندانی؟
.....
مغزت میخواهم.
پروزش میطلبم
خطا کردم، غلط گفتم.
اگر گفتم تصب دیدم.
خطا کردم، ببخشیدم.
شهرک چراغان است
شب نشینی است اینجا
شادی میکنند آنجا
همه جا رقص و آواز است
همه چیز در نور و تانژول است
همه خرمند و خندان
همه دلخوشند و شادان
که میگویند کس میگرداند اینجا
یا که کس در رنج است در شهرک ما
بگوید اگر جرأت دارد او
تا باو بفهمانیم که شخصی است بدبختی و
همه جا نمایش است و فستیوال
در این شهرک همه غرقند در خوشی و مال
اینجا کسی نمیرسد
اینجا کسی عذاب نمیبند
خوشی، شادی در شهرک اوین
بپیچیده در گذشته، آینده و حال است
رنج و تصب به پیشوائی «ساواک» محال است
شهرک ما غرق شور و شادی است
«اوین» نمونه خوشی و آزادی است.

۲۱ فروردین ۱۳۵۷ ر.

بجائی کشید که زندانیان زندانهای قصر و اوین قبولانندن خواسته های قانونی خود دست بیک اعت ۳۱ روزه زدند. اعتصاب سرانجام با موفقیت پای یافت و زندانیان با لاواری و ایستادگی خود توانا جلادان را بقبول خواسته های خود وا دارند، اما این موفقیت آسان بدست نیامد، اعتصاب یکپارچه زند قصر و اوین که خشم جلادان را برانگیخته، تضرع با تهدید و شدت عمل آنان مواجهه کماندوهای شاه بدرون بند های زندان یورش بر و زندانیان را مضروب و مجروح کردند. کار به کشید که روز ۲۵ اسفند، هنگامیکه خانواده زندانیان برای اعتراض بجنایت مأموران زندان حرج زندان قصر اجتماع کرده بودند، دژخیمان به زنا مردان سالخورده و حتی کودکان خرد سال خانواده حمله کردند، آنها را کتک زدند و چند تنی از زن را بازداشت کردند. طول اعتصاب، عده ای از زندان را دچار خطر مرگ ساخت. افکار عمومی جهان بد ازاعتصابیون برخاست. از جمله انجمن جهانی حقوقدانان دموکرات اعلامیه ای در افشاء تضييقات رژیم انتشار و نگرانی خود را از خطری که جان زندانیان اعتصاب را تهدید میکند، بیان داشت و روزنامه «اومانیت» از گان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در شماره ۱۳ آور خود در دفاع از زندانیان شرح مبسوطی نگاشت. سرانجام حمایت زینبرخ افکار عمومی در داخل و خار از کشور و پیامداری زندانیان، این فرزندانی رژیم و دلیر خلق، رژیم را وادار کرد تا در زندانیان قه و اوین بخواست زندانیان تن در دهد. اعتصاب پایا یافت، ولی اعمال فشار در سایر زندانها و دستگیریهای تازه، بدون وقته ادامه دارد. خبر گزارهایی خارج فاش کردند که در روز ورود رئیس جمهوری آلمان فدرال بایران، فقط در تهران ۱۵ دانشجو به اتهام بخر اعلامیه و پیش از سی نفر در شهرستانها به بهانه هار متضلف بازداشت شده اند.

رژیم شاه که متصرف و منفرد است، میخواهد با کشتار و حبس و تبعید خشم مردم را مهار کند بر اقرار خود سرپوش بگذارد. اما این اقدامات تبه کارانه نتیجه لازم را برای رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و ضد خلقی شاه بیار نخواهد آورد. سیاه خروشان مردم که بحرکت در آمده است، سر اینجا، پایه های حکومت مطلقه را از بن بر خواهد کند.